**انترناسیونال ۴۵۴**

**مصاحبه با محسن ابراهیمی**

**اعتراضات مردم در ارومیه و تبریز**

**گفتگو با محسن ابراهیمی**

***انترناسیونال:*** *دوشنبه گذشته یعنی روز اول خرداد ۹۱  تظاهرات ها و اعتراضاتی در اورمیه و تبریز جریان داشت و تعدادی از مردم توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی دستگیر شدند. هنوز فضا در این شهر کاملا پلیسی و خفقان زده است. لطف کنید از این اعتراضات بیشتر برای خوانندگان ما بگویید.*

**محسن ابراهیمی:** بهانه اعتراضات اخیر در ارومیه و تبریز و چند شهر دیگر، ششمین سالگرد قیام مردم آذربایجان علیه کاریکاتور روزنامه دولتی ایران است که شش سال پیش مردم ترک زبان را به سوسک تشبیه کرده بود. آن موقع به این بهانه، زنان و مردان و جوانان در شهرهای آذربایجان فورا به خیابانها ریختند و علیه این تحقیر و توهین آشکار اعتراض کردند.

علت دوم اعتراضات اخیر وضعیت دریاچه ارومیه است. این دریاچه بسرعت در حال خشک شدن است. کار و زندگی تعداد زیادی به انحاء مختلف به موقعیت این دریاچه وابسته است که با خشک شدن این دریاچه کار و محل درآمدشان را از دست خواهند داد. نزدیک ۸ میلیون نفر در شعاع ۵۰۰ کیلومتری این دریاچه زندگی میکنند که خشک شدن آن تاثیرات و صدمات زیادی بر زندگی آنها خواهد گذاشت. با خشك شدن این درياچه بيش از ۱۰ميليارد تن نمك به صورت گردوغبار و طوفان بر سر مردم اين ناحيه خواهد ريخت. مردم آذربایجان مسبب اصلی این وضعیت را جمهوری اسلامی میدانند. میدانند که علت اصلی آن بستن سد بر رودخانه های منتهی به این دریاچه است که به برکت آن آقازاده های اسلامی و صاحب کمپانیهای سدسازی ثروت وپولهای نجومی پارو میکنند.

حکومت اسلامی که خشم و نفرت و اراده مردم آذربایجان در سال ۸۵ و عزم سراسری مردم در سال ۸۸ را دیده است از چند هفته پیش به هر کاری دست زد تا از زیر اعتراض احتمالی مردم سالم در برود. چند هفته است که سطلهای زباله را از مراکز اصلی شهر برداشته اند و آجرها و سنگها و مصالح ساختمانهای نیمه تمام را جمع آوری کرده اند تا در دست معترضین به ابزار مقابله با سرکوبگران تبدیل نشود. تمام نیروهای سرکوب بسیج شده اند تا اعتراض مردم را سرکوب کنند. علیرغم همه این کارها، مردم در مقیاس چند هزار نفره بیرون آمدند و به مدت چند روز علیه حکومت اعتراض کردند. ذا

***انترناسیونال:*** *آیا میتوان گفت که موضوع اعتراضات مردم آذربایجان فقط سالگرد قیام ۸۵ و مسئله دریاچه اورمیه است؟*

محسن ابراهیمی: اینها فقط دو مسئله و دو بهانه هستند اما ابدا همه موضوع اعتراض مردم آذربایجان نیستند. علل اصلی تر و عمومی تر اعتراضات مردم آذربایجان همانها هستند که به قیام مردم در سال ۸۸ منجر شد: فقر و فلاکت اقتصادی، خفقان سیاسی و سرکوب فرهنگی و همه جنایتهایی که این حکومت علیه مردم محروم مرتکب شده است. مردم آذربایجان هم مسبب زندگی جهنمی خود را در سیمای این حکومت می بینند. آنها این حکومت را مسبب اصلی یک زندگی غیر انسانی و مانع اول رسیدن به آزادی و برابری و امنیت و رفاه میدانند. مردم آذربایجان همانند همه مردم ایران، اولین شرط رهایی خود را سرنگونی کامل این حکومت میدانند. تحقیر روزنامه دولتی ایران در سال ۸۵ بهانه ای بود که خشم و نفرت تلنبار شده چند دهه ای مردم را منفجر کرد.

***انترناسیونال:*** *این اعتراضات چه سمت و سوی سیاسی دارد و آیا از رهبری متعینی برخوردار است؟*

**محسن ابراهیمی:** جهت سیاسی اصلی این اعتراضات همانند اعتراضات مردم سایر نقاط ایران، اعتراض به این رژیم است. مردم به تحقیر و بی حرمتی یک روزنامه دولتی، دولتی که بنیادش بر تبعیض استوار است معترض هستند. مردم به رژیم اسلامی به عنوان مسبب اصلی خشک شدن یکی از منابع اقتصادی زندگیشان معترض هستند. مردم به مافیای اقتصادی وابسته به سپاه و نهادهای عظیم مالی رژیم معترضند که هدف اصلی آنها از پروژه های سد سازی، چپاول ثروت توسط کمپانیهای وابسته به دولت و سپاه است و برای رسیدن به این هدف زندگی چندین میلیون نفر از مردم، دریاچه اورمیه و منابع طبیعی وابسته به آن را به نابودی کشانده اند.

مثل همه اتفاقات گذشته آذربایجان، این بار هم جریانات قوم پرست آذری تلاش زیادی کردند تا به این اعتراضات رنگ ملی وقومی بزنند؛ آن را به تقابل ترکها و فارسها تبدیل کنند؛ شعارها و خواسته های قوم پرستانه را به شعارها و خواسته های مردم تبدیل کنند و کلا این اعتراضات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم را از محتوای سیاسی ضد رژیمی و از محتوای انسانی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه اش خالی کنند و البته نتوانستند. شعارهای محوری این دور اعتراضات که در ویدیو کلیپها قابل مشاهده و برجسته است این حقیقت را نشان می دهد. شعارهای اصلی اینها بودند: "ارومو گولو جان وئریر، مجلس اونون قتلینه فرمان وئریر" (دریاچه اورمیه جان میدهد، مجلس به قتلش فرمان میدهد)؛ "بیشرف، بیشرف" (شعاری که مستقیما علیه سرکوبگران اسلامی بود). و همچنین مردم با شعارهایی تلاش کردند کسانی را که هنوز به اعتراض مردم نپیوسته اند را تشویق کنند تا به صف اعتراض علیه حکومت اسلامی بپیوندند.

یک اتفاق جالب که نشان میدهد جریانات عقب مانده قوم پرست در تلاشهای ارتجاعیشان نتوانستند موفق شوند، ماجرای نقش ملاحسنی است. در حالیکه ناسیونالیستها سعی کردند ملا حسنی، این ملای عقب مانده و جانی را در صف مردم قرار دهند، خود ملاحسنی اطلاعیه داد و دشمنی خودش با مردم و خدمتگزاری خود به رژیم اسلامی را علنا اعلام کرد.

در خاتمه باید بگویم که این اعتراضات علیرغم هشیاری سیاسی مردم، علیرغم محتوای ضد رژیمی و رادیکال و انسانی و عدالتخواهانه و برابری طلبانه اش، هنوز از رهبری سیاسی پیشرو محروم است. این نقطه ضعف اصلی آن است. از این نقطه نظر مسئله دقیقا شبیه خیزش انقلابی سال ۸۸ است. محتوای اعتراض مردم کاملا پیشرو و مترقی و انسانی بود اما به خاطر اینکه توسط یک حزب سیاسی پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب رهبری نشد، نتوانست پیروز شود. این مهمترین ضعف است و رهایی نهایی مردم در ایران منوط به تامین این رهبری است.

***انترناسیونال:*** *فراخوان شما برای مردم آذربایجان چیست؟ همینطور خطاب به مردم سایر نقاط ایران در رابطه با اعتراضات اخیر چه پیامی دارید؟*

**محسن ابراهیمی:** اعتراضاتی که در آذربایجان هر از گاهی سربلند میکند بخشی از اعتراضاتی است که در مناطق دیگر ایران در جریان است. همچنانکه گفتم مضمون اصلی و واقعی این اعتراضات مثل جاهای دیگر این است که مردم آذربایجان نمیخواهند زیر سیطره رژیمی زندگی کنند که مسئول و مسبب تمام فجایع اقتصادی و سیاسی و ا جتماعی و فرهنگی است. همیشه جریانات سیاسی مرتجعی هستند که میخواهند با اتکا به این اعتراضات بحق مردم دکان سیاسی خود را راه بیاندازند. در آذربایجان این جریانات اساسا جریانات قوم پرست هستند. جریاناتی که بطور صریح یا ضمنی سعی میکنند این مبارزات را از مضمون رادیکال سیاسی ضد رژیمی و عدالتخواهانه و برابری طلبانه اش تهی کنند و به آن رنگ و بوی قومی و ملی بزنند. نباید گذاشت مضمون انسانی و حق طلبانه مبارزات مردم دستخوش استفاده سیاسی این جریانات قوم پرست شود که به اندازه حکومت اسلامی و ایدئولوژی اسلامیش ارتجاعی هستند. مردم معترض آذربایجان تاکنون نشان داده اند که در این مورد هشیار هستند. در این زمینه باید هشیارتر بود. مردم علیه هرگونه تبعیض هستند. مردم علیه تبعیض بر اساس جنسیت و ملیت و مذهب و شغل و رنگ و مذهب و هر بهانه و توجیه دیگر هستند. به این معنا مبارزه مردم عمیقا انسانی است. هر درجه پیشروی قوم پرستان آذری و ترک این محتوای انسانی مبارزه مردم را خدشه دار میکند. باید آگاهانه و هشیارانه در مقابل آنها ایستاد.

تا آنجاییکه به مردم در سایر نقاط ایران مربوط است باید به اشکال مختلف از این مبارزه در آذربایجان پشتیبانی سیاسی کرد و دست شیادان قوم پرست را در تلاشهای ارتجاعیشان برای نفرت پراکنی قومی و ملی بست. همین الان اعتراضات زیادی در میان طبقه کارگر، زنان و جوانان در اقصی نقاط ایران در جریان است. باید به هر شکلی به مردم آذربایجان نشان داد که برخلاف تبلیغات دروغین و ارتجاعی قوم پرستان، همه کسانی که در مناطق مختلف ایران برای عدالت و آزادی و رفاه مبارزه میکنند در کنار اعتراض توده های محروم و ستمدیده در آذربایجان هستند و این مبارزه را وجهی و بخشی از مبارزه سراسری خود علیه رژیم اسلامی و برای سرنگونی رژیم اسلامی میدانند.

باید اضافه کنم که حکومت اسلامی بشدت از ادامه و گسترش اعتراضات وحشت دارد. بیدلیل نیست که دست به دستگیریهای گسترده زده است. این کار حکومت تماما برای ارعاب است. برای جلوگیری از تکرار و گسترش اعتراضات است. دقیقا به این دلیل مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان باید یک اولویت جدی باشد. ادامه اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان وجه مهمی از اعتراضات مردم است. هر درجه موفقیت در این زمینه، یک شکست برای جمهوری اسلامی و یک پیروزی برای مردم معترض آذربایجان و کل اعتراض مردم در سطح سراسری است. هر درجه پیشروی و پیروزی در این زمینه، توازن روانی و سیاسی را به نفع تداوم و گسترش و تعمیق اعتراضات مردم عوض خواهد کرد و عمر جمهوری اسلامی را کوتاهتر خواهد کرد. هر درجه پیشروی در این زمینه یک قدم دیگر به سمت رهایی نهایی از نکبت اسلامی است. \*

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  |  |  |  |